

انقلاب فرانسه

فیلیس کورزین

ترجمه مهدی حقیقت خواه



فهرست

- ۶..... رویدادهای مهم در تاریخ انقلاب فرانسه
- ۹..... پیشگفتار: بهترین دوران، بدترین دوران
- ۱۳..... ۱. ریشه‌های انقلاب
- ۳۱..... ۲. طوفانی در راه
- ۳۹..... ۳. آغاز انقلاب
- ۵۳..... ۴. باستیل و تابستان خشونت‌آمیز
- ۷۳..... ۵. ایجاد ملتی جدید
- ۸۹..... ۶. جنگ پُر دامنه و انقلاب تازه
- ۱۰۱..... ۷. پایان سلطنت، آغاز دوره وحشت
- ۱۱۷..... ۸. حکومت وحشت
- ۱۳۵..... ۹. سال‌های پایانی
- ۱۴۷..... پسگفتار: میراث انقلاب
- ۱۴۹..... یادداشت‌ها
- ۱۵۳..... برای مطالعه بیشتر
- ۱۵۴..... آثار مرجع
- ۱۵۷..... نمایه

پیشگفتار

بهترین دوران، بدترین دوران

انقلاب فرانسه، مانند بسیاری از انقلاب‌ها، در موسم امیدها و آرزوهای بزرگ آغاز شد. به نظر می‌رسید که سرانجام آرمان‌های عصر روشنگری تحقق خواهد یافت: جامعه‌ای آرمانی مبتنی بر خرد و عدالت واقعاً امکان‌پذیر به نظر می‌آمد. اندیشمندان روشن‌بین در سرتاسر اروپا، و همچنین در آمریکا، با امیدواری نظاره‌گر بودند. امید داشتند که انقلاب به بی‌عدالتی اجتماعی، نادانی، و خرافه‌پرستی پایان دهد و انسان‌ها در پرتو آزادی، برابری، و برادری زندگی کنند.

اما انقلاب به مبارزه‌ای سهمگین و بی‌امان میان جناح‌ها تنزل یافت، که در آن هر جناح قصد داشت برداشت خود را از جامعه آرمانی به مردم فرانسه تحمیل کند. برخی از رهبران



انقلاب فرانسه چیزی بیش از خونریزی برای فرانسه به ارمغان آورد، اما اکثر مردم نخست به هزاران نفری فکر می‌کنند که، نظیر این مردان، آن‌ها را با گاری بردند و با گوتین اعدام کردند.



نگاره نمادین آزادی، آزادی و برابری آن چیزهایی بودند که انقلابیون فرانسه آرزوی دستیابی به آنها را داشتند و آنها در این فرایند جنبشی جهانی پدید آوردند.

انقلاب صادقانه دلمشغول ایجاد جامعه‌ای آزاد و عادلانه بودند؛ دیگران افراد سنگدل و جاه‌طلبی بودند که می‌خواستند به قدرت و شوکت دست پیدا کنند. با سپری شدن انقلاب، حمام خون دهشتناک سپتامبر ۱۷۹۲، که در آن نزدیک به ۱۵۰۰ مرد، زن، و کودک وحشیانه به قتل رسیدند، امیدها به عصری جدید را زایل ساخت. تنها چند ماه پس از آن، تمام اروپا با وحشت و نفرت شاهد آغاز «حکومت وحشت» بود، دوره‌ای که در آن ترس و گیوتین بر این سرزمین فرمان می‌راند.

با این حال، وحشت و

خونریزی به هیچ‌وجه میراث ماندگار این انقلاب نبود. از درون این آشوب و ناامنی برخی تغییرات اساسی در جامعه فرانسه پدید آمد: پادشاهی خودکامه سقوط کرد، رژیم کهنه، نظم اجتماعی و اقتصادی مبتنی بر حقوق فئودالی، از میان رفت؛ امتیازات اشرافیت ملغی گردید؛ دهقانان از قیدهای فئودالی به اربابان زمیندار و نیز به کلیسا آزاد شدند. و بالاخره، انقلاب نشانه گذار از فئودالیسم به سرمایه‌داری بود و راه را برای ساختن دولت مدرن هموار ساخت.

اما، از نظر اکثر انقلابیون آزادیخواه فرانسه برابری مهم‌ترین و مانا‌ترین اصل بود، هر چند این آرزو در پایان انقلاب کاملاً تحقق نیافت. با وجود این، آنها دریافته‌اند که آزادی بدون برابری تنها به نفع اندک کسان صاحب امتیاز تمام خواهد شد. چنان که یکی از اعضای کنوانسیون (مجمع) ملی در سال ۱۷۹۳ اعلام داشت، «زمانی که یک طبقه از انسان‌ها می‌تواند طبقه دیگری را گرسنگی دهد بدون آن‌که مجازات شود، آزادی صرفاً پدیده‌ای

بهترین دوران، بدترین دوران / ۱۱

ظاهری و تو خالی است.»^۱ انقلابیون فرانسه، با پایبندی اکید به آرمان‌های آزادی و برابری برای همه مردم، جهانشمولی این آرمان‌ها را اعلام می‌داشتند، بدین معنا که نه فقط مردم فرانسه، بلکه تمام انسان‌ها دارای حقوقی اساسی هستند که باید از طرف حکومت‌هایشان به رسمیت شناخته شود.

پافشاری انقلابیون بر برابری و جهانشمولی خواست‌هایشان اشرافیت و بسیاری از شهروندان طبقه متوسط فرانسه و همین‌طور مردم دیگر کشورهای اروپایی را می‌ترساند، اما افراد همفکر را در سرتاسر جهان متحد و انقلاب فرانسه را به رخدادی محوری در تاریخ مدرن مبدل می‌ساخت:

این انقلاب رخدادی جهانی و نه صرفاً ماجرابی گذرا، هر چند مهم، در تاریخ فرانسه بود. تا پیش از ۱۷۸۹ دولتمردان قدرت‌های بزرگ گاهگاهی مجبور می‌شدند با شورش‌های دهقانی یا فوران آشوب‌های شهری مواجه شوند اما نه با جنبش‌های انقلابی در صحنه مدرن. اما از آن به بعد تهدید همیشه در خیالشان و گاهی در پشت پنجره آن‌ها حاضر بود. انقلابیون فرانسه خواستار نه حقوق از دست رفته‌شان، بلکه اصول جهانشمولی بودند که عقیده داشتند برای همه انسان‌ها مشترک است.... انقلاب فرانسه، به مثابه افسانه، نماد و اسطوره، دلمشغولی هر کسی بود.^۲

خیزش‌های چشمگیر انقلاب نه تنها جامعه فرانسه بلکه سرتاسر جهان غرب را تحت تأثیر قرار داد. هر چند دو‌یست سال از زمان آن رشته حوادث شگفت‌انگیزی که به انقلاب فرانسه معروف است گذشته، آزادی و برابری همچنان آرمان‌های جوامع دموکراتیک در سرتاسر جهان است.